

در خواست عجیب طلاق عروس خانم تهرانی از داماد بدقول و فراموشکار!



متاهلی با همان رویه در پیش بگیرند و باید تفکیک قائل شوند. زوج‌های جوان اگر می‌خواهند زندگی شادی داشته باشند باید با مسئولیت‌پذیری، عشق، علاقه، صداقت، از خودگذشتگی، تعهد و... پایه‌های زندگی مشترک خود را بسازند تا زندگی مشترک موفق و خوبی داشته باشند و گرنه درگیر چالش و حاشیه خواهند شد و در نهایت طلاق به زندگی مشترک آنها پایان می‌دهد.

نهایت می‌گوید خودت هر کاری داری انجام بده با من کاری نداشته باش. بالاخره میلاد هم تعهداتی دارد اما به هیچ کدامش در این مدت عمل نکرده و فقط بهانه آورده است. قاضی رو به میلاد کرد و گفت: پسرم حرف‌های همسرت را تأیید می‌کنی؟ میلاد سری تکان داد و گفت: آقای قاضی باور کنید عمدی در کارم نیست من سعی می‌کنم بموقع برسم ولی گاهی نمی‌شود. در همین لحظه همسرش گفت: آقای قاضی فقط برای من و زندگی مشترک‌مان این طور است. کافی است دوستانش زنگ بزنند و بگویند بیایم و فوئیتال بافاصله آماده می‌شود و می‌رود، بارها شده مرا وسط خیابان از ماشین پیاده کرده و گفته با تا کسی بیرون می‌آید بروم پیش دوستانم. میلاد گفت: آقای قاضی همسرم موضوع را بزرگ می‌کند، اینها موارد حادی نیست که او می‌خواهد به

ما هنوز ۹ ماه از آشنایی و ازدواج‌مان نگذشته است، ای کاش قلم پامه شکسته بود و به آن نمایشگاه عکس نرفته بودم. همان جا بود که با میلاد آشنا شدم و بعد به خواستگاری آمد و عقد کردیم. به خاطر صرفه‌جویی برای آینده و ساختن زندگی‌مان مراسم عروسی نگره‌تیم و فقط به یک ماه عسل ساده رفتیم، اما خیلی زود فهمیدم که میلاد خیلی بی‌قید و بی‌مسئولیت است؛ از همه بدتر بسیار بدقول است البته برای من و خانواده‌ام. آقای قاضی شما قضاوت کنید من همین چند روز پیش رفتم دکتر و آنجا متوجه شدم کیف پولم همراه من نیست. به او زنگ زدم که بیاید و پول دکتر را حساب کند و مرا با خودش ببرد اما بعد از ۲ ساعت نیامد و خیلی راحت گفت یادم رفته بود. این تنها کارش نیست هر بار می‌خواهم هر جای بروم یا نمی‌آید یا آنقدر دیر می‌آید که اعصاب مرا خورده می‌کند. هیچ توضیح منطقی هم برای بدقولی‌هایش ندارد و در

گروه حوادث - حیاط دادگاه خانواده از برف سفید شده بود. تصویر گنجشک‌ها که به دنبال دانه‌ای در میان برف، نوک بر زمین می‌زدند منظره زیبایی ایجاد کرده بود. حیاط دادگاه خالی از جمعیت بود اما هر چقدر به در ورودی مجتمع خانواده نزدیک می‌شدی بر تعداد داخل سالن در بین جمعیت، یک زوج جوان جلب توجه می‌کردند؛ پسری با هودی آبی و دختری که کنارش ایستاده و هودی قرمز پوشیده بود. بزرگه ابلاغیه‌ای در دست پسر جوان بود که وقت رسیدگی را ساعت ۹ در شعبه ۱۷ نشان می‌داد. وقتی زوج جوان وارد شعبه شدند کنار هم روی صندلی نشستند. چند دقیقه‌ای که گذشت ناگهان دختر جوان گفت: جناب قاضی من دیگر از بدقولی‌های همسرم میلاد خسته شده‌ام. دلم نمی‌خواهد حتی یک روز هم با او زندگی کنم.

دانشجوی پزشکی در کلاتری مشهد چه گفت؟

اعتراف سیاه یک دختر

گروه حوادث - پدرم وقتی که فهمیدم من در چه منجلابی گرفتار شده‌ام بیشتر از چند ماه دوام نیاورد و از شدت غصه تا گه‌گاه دچار ایست قلبی شد و از دنیا رفت. مادرم نیز در بیمارستان تحت درمان‌های پزشکی قرار گرفت اما هیچ گاه به روی خودش نیاورد که من این بالاها را سر خانواده‌ام آورده‌ام و... این‌ها بخشی از اظهارات دختر ۳۰ ساله ای است که در دانشگاه علوم پزشکی یکی از شهرهای خراسان رضوی تحصیل می‌کند. او که با کمک مادرش از منجلابی وحشتناک‌هایی یافته درباره سرگذشت عجیب خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری طبری شمالی مشهد گفت: در یکی از شهرهای مرزی خراسان رضوی به دنیا آمدم و در کنار هفت خواهر و برادر دیگرم بزرگ شدم البته من آخرین فرزند و به قول معروف «ته تغاری» بودم و به همین دلیل خانواده‌ام توجه زیادی به من داشتند. پدرم بازاری بود و درآمد خوبی داشت در عین حال مادرم نیز در خانه کارگاه خیاطی راه اندازی کرده بود و من هم این هنر را از مادرم به خوبی آموختم چرا که او زنی هنرمند و خوش سلیقه بود. وقتی به سن نوجوانی رسیدم بیشتر از گذشته مورد لطف و توجه اطرافیانم بودم چرا که دختری شیرین زبان و شاداب بودم. اگر چه از نظر ظاهری چهره زیبایی نداشتیم اما به دلیل همین شیفته‌ها و بذله‌گویی‌ها در قلب دیگران جای می‌گرفتم و دستگام‌هایی به من ابراز محبت می‌کردند. در این میان پدرم همواره مرا «دکتر فوزه» صدا می‌زد و معتقد بود که من روزی پزشک می‌شوم! او به همین دلیل هر بار که بیمار می‌شد به اطرافیان می‌گفت: روزی فرامی‌رسد که من دیگر به پزشک نیازی نخواهم داشت چرا که «دکتر فوزه» سرآمد پزشکان شهر می‌شود! خلاصه در همین روزها بود که زمان آزمون سراسری فرامسید و پدرم با آن که کهولت سن داشت اما مرا تا محل آزمون همراهی کرد. از این که او مرا «دکتر» صدا می‌کرد لذت می‌برد و تلاش می‌کردم تا روزی این آرزوی خودم و خانواده‌ام را محقق کنم! بالاخره بعد از دو سال شرکت در آزمون سراسری در رشته پزشکی یکی از دانشگاه‌های معتبر پذیرفته شدم و در خوابگاه دانشجویی اقامت کردم. در همان روز اول ورود به دانشگاه بود که «آزیتا» توجه مرا به خود جلب کرد. او در ترم سوم مشغول تحصیل بود و من خیلی زود با او صمیمی شدم. زندگی در محیط شهری که در آن تحصیل می‌کردم به شدت مرا تحت تاثیر خود قرار داده بود تا این که یک سال بعد «احمد» وارد زندگی‌ام شد. او هم دانشجوی پزشکی بود و چند بار در کتابخانه دانشگاه همدیگر را دیده بودیم. مدتی با «احمد» ارتباط داشتیم با آن که ظاهراً زبان‌باز دولی احساس می‌کردم او مرا دوست دارد به همین دلیل عاشقانه

زورگیری و حشت آور از زن تهرانی مقابل بیمارستان عرفان



گروه حوادث - مرد جوانی که با قامه اقدام به سرقت خودروی زن جوانی در تهران کرده بود، با هوشیاری پلیس و «جی‌پی‌اس» خودروی مالباخته به دام افتاد. اواسط دی ماه امسال، زن جوانی سراسیمه به پرسنل انتظامات بیمارستان عرفان در غرب تهران مراجعه کرد و گفت: برای بازدید یکم از بستگانم که در این مرکز درمانی بستری است، به اینجا آمده بودم اما هنگامی که قصد داشتم به خانه‌ام بروم، سوار خودروی خود شدم که ناگهان مرد جوانی با قامه وارد ماشین شد و با خشونت زیاد ماشینم را زدید. با اعلام این خبر به اپراتور مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، تیمی از مأموران کلاتری ۱۳۸ جنت‌آباد بلافاصله راهی محل حادثه شدند و تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند. بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد، متهم چند دقیقه قبل از اینکه مالباخته وارد خیابان شود در حال شناسایی سوزنه برای سرقت بوده ناگهان زن جوان را مشاهده و قامه را از جیب کاپشن خود به بیرون آورده و در ادامه اقدام به سرقت خودرو کرده است. مأموران پلیس که در جریان تحقیقات میدانی متوجه دوربین‌های مداربسته کنار بیمارستان شده بودند آنها را هدف بازیابی قرار دادند و خیلی زود چهره سارق قامه‌کش را شناسایی کردند. تیم پلیسی پس از دریافت این سرنخ مهم، با تجزیه و تحلیل‌های اطلاعاتی هویت متهم را شناسایی کردند و در ادامه متوجه شدند خودروی زن جوان مجهز به سیستم «جی‌پی‌اس» بوده و اکنون این وسیله نقلیه در غرب تهران توقف کرده است. همین کافی بود تا مأموران پلیس با دستور قاضی کشیک دادسرای ویژه سرقت راهی محل مورد نظر شوند. سارق جوان را دستگیر کنند که در ادامه نیز قامه و خودروی مالباخته کشف شد؛ متهم نیز پس از انتقال

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>مفقودی</h3>	<h3>حمل بار</h3>	<h3>صنایع چوب</h3>	<h3>ساخت و نصب دکوراسیون</h3>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۷۷۱۹/۰۱ به نام محسن دانایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.</p>	<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۹۷۲۰</p>	<p>شرکت کهن چوب تولیدکننده انواع درب‌های چوبی برای کلیه پروژه‌ها مسکونی، تجاری، هتلی، و اداری جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک ۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۱۸۶ - ۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹ www.kohanchoob.ir</p>	<p>شرکت کومه کیش قبول سفارشات ساخت و نصب دکوراسیون واحدهای تجاری و مسکونی ۰۹۱۲۳۴۳۷۶۲۴</p>
<h3>خدمات</h3>	<h3>خشکشویی</h3>	<h3>شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش</h3>	<h3>فروش برنج</h3>
<p>خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع‌های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۹۳۶۲۴</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برج‌های طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<p>ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود...شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸</p>	<p>برنج آستانه معطر خوش پخت و مجلسی با طعم بیاد ماندنی انواع برنج ایرانی ویژه خانگی ویژه رستوران و هتل astaneh.riceshop ۰۹۱۷۵۷۵۲۴۴۱ - ۰۹۱۱۷۰۰۳۰۵۳ بازارچه جدید گل‌دیس پشت مسجد حضرت زینب غره ۷</p>
<h3>خدمات برق</h3>	<h3>نیازمندیهای اقتصادی کیش</h3>	<h3>صنایع چوب حلاج کیش</h3>	<h3>نیازمندیهای اقتصادی کیش</h3>
<p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه‌های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲</p>	<p>۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>

پرتیراژترین و با سابقه‌ترین نشریه جزیره کیش گسترده‌ترین شبکه اطلاع‌رسانی داخلی منطقه آزاد کیش روزنامه

۴۴۴۲۴۹۶۹ ۴۴۴۲۴۹۹۹